

مبانی و کارکرد هوشمندسازی پیشگیری از قاچاق کالا، جلوه‌ها و چالش‌ها

| جعفر کوشا* | دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی،

تهران، ایران

| سهیلا جعفری | دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید

بهشتی، تهران، ایران

چکیده

امروزه، هوشمندسازی فرایند واردات و صادرات کالا به‌عنوان ابزار فناورانه کنترل و کاهش خطر ارتکاب قاچاق کالا مورد توجه کارگزاران سیاست جنایی قرار گرفته است؛ از این رو، به‌کارگیری سامانه‌های اطلاعاتی، موضوع مواد ۵ و ۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و آئین‌نامه اجرایی این مواد، اهمیت دوچندانی یافته است. در این نوشتار با مطالعه کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی، ضمن بررسی مبانی، کارکرد و جلوه‌های سامانه‌ای شدن پیشگیری از قاچاق کالا، به موانع و چالش‌های موجود بر سر راه این دست از رهیافت‌های نوین فناورانه پرداخته شده است. آنچه از این پژوهش حاصل شده، آن است که هرچند از حیث سیاست‌گذاری خطرمدارانه، رویکرد مناسبی به‌منظور ارتقای سطح شفافیت اطلاعات و مدیریت زنجیره تأمین اتخاذ شده و این راهبردها نقش مؤثری در کاهش قاچاق کالا داشته است. با این حال در عمل شاهد اجرای مناسب راهبردها توسط نهادهای متولی امر نیستیم و هماهنگی لازم بین اجزای مختلف نظام عدالت کیفری وجود ندارد. **واژگان کلیدی:** هوشمندسازی، پیشگیری فنی، مدیریت زنجیره تأمین، شفافیت اطلاعات، قاچاق کالا.

مقدمه

قاچاق کالا که از آن به‌عنوان اقتصاد سیاه یا زیرزمینی یاد می‌شود، دارای اثرات سوء اجتناب‌ناپذیر بر اقتصاد کشور، به‌خصوص در اوضاع نابه‌سامان اقتصادی امروز است (کریمی، ۱۳۹۱: ۱۱۲).

پیشگیری از قاچاق کالا همانند سایر جرایم اقتصادی دغدغه اصلی کشور است.

با توجه به اهمیت پیشگیری در پاسخ‌دهی مناسب به جرم، قانون پیشگیری از جرم مصوب ۱۳۹۴ در ماده نخست خود پیشگیری را «پیش‌بینی، شناسایی، ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن» تعریف کرد. در این قانون یکی از مراحل بسیار مهم پیشگیری از جرم، ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از بین بردن یا کاهش جرم است. در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴ نیز در فصل دوم بعد از ذکر تعاریف و مصادیق از ماده ۳ تا ۱۷ به بحث پیشگیری از قاچاق کالا و ارز اختصاص یافته است. در این قانون با بهره‌مندی از منطق خطر،^۱ سعی شده است با شفافیت اطلاعات و مدیریت زنجیره تأمین از ارتکاب قاچاق کالا جلوگیری شود. در حقیقت، دولت بیشتر به اقدام‌هایی نیاز داد که پیشگیرانه باشد، نه اینکه پس از وقوع با سیاست کیفری سخت‌گیرانه اقدام کند.^۲

با توجه به حجم گسترده قاچاق کالا در چندسال اخیر و احراز این واقعیت که هر اقتصاد با ثبات و کارآمد و سالم نیازمند شفافیت، برنامه‌ریزی، رصد و کنترل فرایندهای تجاری موجود است، در حوزه کنترل زنجیره تأمین نیز منطق خطر به‌کار گرفته شده است.

شناسایی خطر جرم و پیشگیری از آن از این بُعد دارای اهمیت است که جرم بحث جدانشدنی از جامعه می‌باشد؛ از همین روی شناسایی عوامل آن در مراحل اولیه تصمیم و پیش از ارتکاب می‌تواند نتایج بسیار مؤثرتری به‌همراه داشته باشد، به‌گونه‌ای که نادیده گرفتن اهمیت خطر ارتکاب جرم مشکلات متعددی به‌دنبال خواهد داشت.

در واقع، برخلاف جرم‌شناسی محیطی که در آن شناخت ویژگی‌های اماکن به‌عنوان آماج اولیه جرم اهمیت زیادی دارد (جاوید، ۱۳۸۸: ۷۹؛ برزگر، ۱۴۰۰: ۳۸۷)، در رویکرد خطرمدار سیاست‌گذاران حوزه مبارزه با قاچاق کالا و ارز، الگوها و فرصت‌های ارتکاب جرم اهمیت بیشتری دارد. با شناسایی این الگوها سعی می‌شود موانع فنی لازم بر راه این فرصت‌ها قرار داده شود تا از

۱- مطابق با این الگو، شناسایی مکان‌ها، شیوه‌ها و افرادی که بیشترین خطر ارتکاب جرم را به‌همراه دارند و مدیریت آن‌ها مهم‌ترین اقدامی است که باید در راستای مقابله با جرم انجام پذیرد (Shearing, 2001:20).

2- Fitzgibbon, D. W (2004), Pre-Emptive Criminalization: Risk Control and Alternative Futures, Issues in Community and Criminal Justice Monograph, London: National Association of probation officers, Vol4, NO.2.

ارتکاب قاچاق پیشگیری شود. فنون پیشگیری موقعیتی از جرم، تجسم خاصی از انقلاب فناوری است که در آن، نقش سامانه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در پیشگیری و مبارزه با جرم بسیار مشهود و حائز اهمیت است.

بیشتر مطالعات در حوزه چگونگی مبارزه با قاچاق کالا و ارز و پیشگیری وضعی از آن بوده و به‌طور خاص به مبارزه سیستمی اشاره نشده است. از جمله این تحقیقات می‌توان به مقاله «پیشگیری وضعی از قاچاق کالا و ارز به‌وسیله تدابیر فنی در ایران» نوشته سپیده شعرا اشاره کرد (پژوهش ملل، ۱۳۹۸: ش ۴۲). در این مقاله مؤلف از تخصصی‌شدن پیشگیری از قاچاق کالا و توجه به پیشگیری وضعی از رهگذر ابزاری همچون ایکس‌ری، دوربین مداربسته و فناوری اطلاعات خودکار صحبت به‌میان آورده است؛ لیکن در آن از جایگاه مدیریت خطر در پیشگیری صحبتی به‌میان نیامده است. از دیگر مقالات تألیفی مرتبط با این نوشتار می‌توان به مقاله «بررسی پیشگیری کیفی و غیرکیفری در زمینه قاچاق کالا و ارز» نوشته جاوید صلاحی و قاسم کریمی اشاره کرد (فصلنامه مطالعات حقوق، ۱۳۸۵: دوره ۱، ش ۲). در این مقاله به‌صورت بسیار مختصر در خصوص الکترونیکی کردن اسناد، رتبه‌بندی اعتباری و سامانه یکپارچه‌سازی و ... به‌عنوان ابزارهای غیرکیفری و همچنین به جرم‌انگاری رفتارهایی همچون وارد کردن اطلاعات خلاف واقع، نظم‌بخشی به تردد شناورها و ... به‌عنوان ابزارهای کیفری پیشگیری اشاره شده است. یکی دیگر از پژوهش‌های انجام‌یافته در حوزه مبارزه با قاچاق کالا و ارز مقاله «پیشگیری وضعی از قاچاق کالا در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲» نوشته حامد صفائی آتشگاه و مهدی صبوری‌پور می‌باشد (فصلنامه حقوقی دادگستری، ۱۳۹۵: ش ۹۳). این مقاله در پلان کلی خود مشابه‌ای از مقاله بررسی پیشگیری کیفی و غیرکیفری در زمینه قاچاق کالا و ارز است.

در نوشتار حاضر، در جهت حفظ سیر منطقی مطالب، ابتدا مبانی و کارکرد سامانه‌ای شدن پیشگیری از قاچاق کالا تبیین و در ادامه پس از ارائه برخی سامانه‌های تعیینی در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، چالش‌ها و موانع موجود بر سر راه هوشمندسازی اقدامات پیشگیرانه در حوزه قاچاق کالا بیان شده است.

۱- مبانی هوشمندسازی

الگوی جامعه خطر از سوی اولریش بک (بک اولریش، ۱۳۸۸: ۱۳) و گفتمان خطر، منجر به شکل‌گیری سیاست جنایی نو با عنوان سیاست جنایی خطرمدار شد. این سیاست جنایی به‌دنبال کاهش و کنترل خطر ارتکاب جرم از سوی فرد بود. از مهم‌ترین ویژگی‌های این سیاست جنایی نوین، تغییر در هدف، تغییر در ابزار مبارزه و بهره‌مندی از مقوله هوشمندسازی اقدامات و ارزیابی در پیشگیری از جرم است. رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات سبب گسترش استفاده از پیشگیری‌های

وضع‌ی هوشمند در الگوهای سیاست‌های جنایی خطرمدار شده است (خانعلی‌پور، ۱۳۸۹: ۲۸)؛ از همین رو، هوشمندسازی اقدامات پیشگیرانه در حوزه قاچاق کالا را می‌توان جلوه‌ی این نوع از سیاست جنایی دانست.

۱-۱- ایمن‌گرایی

در حوزه قاچاق کالا از جمله راه‌کارهایی که در مسیر کاهش و کنترل ارتکاب قاچاق کالا وضع شده است، می‌توان به ایمن‌سازی محیط رقابتی تولید، واردات و صادرات کالاها با بهره‌مندی از سامانه‌های موضوع مواد ۵ و ۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و آئین‌نامه اجرایی آن اشاره کرد. در فرایند هوشمندسازی پیشگیری از جرم، با پُررنگ کردن پیشگیری فناورانه از پیشگیری اجتماعی عبور و حفظ امنیت جامعه را از طریق کاهش خطر ارتکاب جرم از سوی مرتکب در اولویت قرار داده است (ماری، ۱۳۸۳: ۳۳۵). در واقع در گفتمان سیاست جنایی خطرمدار، جامعه و امنیت آن مهم‌ترین دغدغه کارگزاران حوزه عدالت کیفری است؛ به گونه‌ای که در آن بنیادی‌ترین اصل، امنیت‌مدار بودن سیاست جنایی به جای تأکید بر اخلاق‌گرایی می‌باشد (ریگاکاس، ۱۳۹۲: ۱۷۲-۱۵۸).

البته آنچه که در خصوص سیاست جنایی خطرمدار باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که گرچه برخی حقوق‌دانان (ابراهیمی و صادق‌نژاد نائینی، ۱۳۹۲: ۱۶۴)، جرم‌شناسی خطرمدار را وام‌دار گفتمان سیاست جنایی امنیت‌مدار یا دشمن‌مدار می‌دانند، اما جرم‌شناسی امنیتی لزوماً جرم‌شناسی خطرمدار نیست؛ بلکه بعد مهمی از آن می‌باشد؛^۱ توضیح اینکه در جرم‌شناسی امنیتی، مجرم دشمن جامعه و خطرناک شناخته می‌شود و تمامی تدابیر در راستای حفظ امنیت جامعه از گزند بزه‌کار خطرناک است؛ اما در جرم‌شناسی خطرمدار، مجرم موضوع اصلی نخواهد بود؛ بلکه خطر ارتکاب جرم و کنترل آن به عنوان یک راهبرد مدیریتی اهمیت اصلی تدابیر را تشکیل می‌دهد.

۱-۲- تدابیر سخت‌گیرانه

بهره‌مندی از سامانه‌ها و سیستم‌های فنی که افراد اعم از با سابقه و بی سابقه در جرم، ملزم به ثبت اطلاعات و حرکات خود در آن هستند، مشخصه اصلی سیستماتیک کردن اقدامات پیشگیرانه از جرم است. در این میان، هرچه گفتمان مدیریت جرم‌شناختی خطر جرم گسترش یابد، بهره‌مندی از

۱- در واقع جرم‌شناسی امنیتی در تقابل با جرم‌شناسی هنجاری یا صلح‌گرا است. در نوع جرم‌شناسی هنجاری با صلح‌گرا، استفاده از راهبردهای پیشگیری اجتماعی همچون پلیس اجتماعی، میانجی‌گری، تقویت نهادهای جامعه‌وی و توجه به رشد و تعالی افراد سعی در عبور دادن یافته‌های جرم‌شناسی از سنجه حقوق بشر برای وارد کردن آن در حقوق کیفری می‌باشد. این درحالی است که جرم‌شناسی امنیتی، مجرم را دشمن جامعه و خطرناک می‌داند و به همین خاطر وی را مستحق ورود به حقوق کیفری می‌داند (نوبهار و صیقل، ۱۳۹۶: ۲۰۱).

اقدامات فناورانه هوشمندانه نیز گسترش خواهد یافت. هرچند این گسترش بدون مرز مدیریت خطر جرم و گفتمان امنیت‌مداری در سیاست‌جنایی در نظر برخی صاحب‌نظران چندان مطلوب نیست؛ زیرا به عقیده برخی، مدیریت و کنترل هر چیزی باید در حد استثناء و ضرورت صورت پذیرد و یک سیاست مطلوب باید بتواند با حداقل تهدیدات و طبق روال عادی افراد را کنترل کند (عبدالله خانی، ۱۳۸۵: ۴۹۷). این نظر در خصوص بُعد کیفی مدیریت خطر سخن درستی است؛ زیرا در بُعد کیفی مدیریت خطر اصل بر تحدید آزادی‌های بزه‌کاران مزمن می‌باشد؛ لیکن در بُعد غیرکیفی مدیریت خطر این ایراد چندان وارد نیست؛ زیرا در این بُعد، اصل بر شناسایی محیط‌های پرخطر و الگوهای ارتکاب جرم و مدیریت و کنترل آن است و صحبت از آزادی افراد چندان مطرح نخواهد شد. هرچند در عمل الزام افراد به ثبت برخی اطلاعات در سامانه‌های مقرر قانونی ممکن است حالت اجبار به خود بگیرد، لیکن این در معنای امنیتی کردن سامانه‌ها نخواهد بود؛ بلکه هدف کوتاه نمودن دست انسانی در برخی فرایندها و مدیریت مکان‌ها و شیوه‌هایی می‌باشد که در آن‌ها طبق ارزیابی‌های صورت‌گرفته امکان خطر جرم زیاد است. به عبارت دیگر، عمده موضوع مورد توجه در مدیریت خطر جرم، ایمن‌سازی و کاهش ارتکاب جرم از طریق ارزیابی و کنترل موقعیت‌ها و محیط‌های جرم‌زا می‌باشد.

۱-۳- ارزیابی خطر

ارزیابی خطر ارتکاب جرم و فرصت‌های آن موجب می‌شود تا تغییر در برآورد هزینه‌فایده جرم و کاهش فرصت ارتکاب امکان‌پذیر شود (kemshall, 2003:128). در ارتباط با قاچاق کالا، هنگامی که از خطر جرم و ارزیابی آن صحبت به میان می‌آید، هدف مطالعه مرتکب خاص و تحلیل بالینی و آماری فرد نیست؛ بلکه در حوزه قاچاق کالا، آنچه مورد ارزیابی و شناسایی قرار می‌گیرد، الگوهای ارتکاب قاچاق و فرصت‌هایی است که در آن به دلیل خلأ سیستمی یا اجرایی امکان وقوع قاچاق کالا به مراتب بیشتر است؛ بنابراین هنگامی که از مقوله ارزیابی در مدیریت خطر قاچاق کالا از گذر بهره‌مندی از سامانه‌ها سخن به میان می‌آید، ارزیابی و کنترل الگوها و موقعیت‌های ارتکاب قاچاق می‌باشد، نه ارزیابی و کنترل آماری بالینی مرتکبان آن؛ به عبارت دیگر، منظور از ارزیابی، شناسایی تأثیر احتمالی هریک از این الگوها و موقعیت‌ها و احتمال وقوع آن‌هاست (Hossam, E.H., Ibrahim, A.H & Fraig, R :2018, 2667-2677)؛ هرچند به طور قطع کنترل الگو و موقعیت ارتکاب جرم در عمل موجب ارزیابی مرتکبان بالقوه و فعلی آن نیز خواهد شد.

۲- کارکرد هوشمندسازی رصد سامانه‌ای

با توجه به مشکلات موجود در فرایند مبارزه با قاچاق کالا و تغییر رویکرد مبارزه از کشف سنتی به کشف سیستمی کالای قاچاق همگام، شفاف‌سازی گردش کالا در فرایندهای تجاری در کشور و مدیریت زنجیره تأمین با بهره‌مندی از رصد سامانه‌ای از مهم‌ترین اهداف هوشمندسازی است. هر دو این اهداف با رویکردی مدیریتی و خطرمدار مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ بنابراین گزاره نیست اگر گفته شود، مدیریت کیفی و غیرکیفری خطر وقوع قاچاق کالا، مهم‌ترین کارکرد این سامانه‌هاست.

۲-۱- مدیریت کیفی خطر

در مدیریت کیفی خطر جرم، موضوع اصلی مجرم است که تلاش می‌شود به دلیل مخاطره‌آمیز بودن آن‌ها برای جامعه که از آن به حالت خطرناک تعبیر می‌شود، مدیریت شوند (Simon and feely, 1995:150). در حوزه مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز رویکرد مدیریت کیفی خطر جرم به وضوح قابل مشاهده است. شناسایی سامانه بانک اطلاعاتی مجرمان به موجب ماده ۷۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، سامانه جامع پرونده‌های قاچاق کالا و ارز و پایگاه اطلاعاتی پرونده‌های سازمان یافته، ملی و مهم از مهم‌ترین ابعاد مدیریت کیفی خطر در حوزه قاچاق کالا و ارز می‌باشد.

در واقع مدیریت کیفی خطر جرم از مسیر سامانه‌های بانک اطلاعاتی محکومان بعدی از کاربرد مدیریت ریسک در کیفرشناسی نو هست (عباسی، ۱۴۰۰:۲۱۲) و چنانچه با توجه به اصول و بایسته‌های مدیریت خطر صورت پذیرد، موجب کنترل و محدودسازی بزه‌کاران دارای حالت خطرناک می‌شود.

بانک جامع اطلاعاتی محکومان قاچاق کالا همانند سایر سامانه‌ها اطلاعات محور است؛ بنابراین باید تمامی اطلاعات به نحو صحیح و کامل در اختیار مجریان قانونی آن قرار گیرد. مطابق با بررسی‌های انجام یافته، هرچند بانک جامع اطلاعاتی محکومان قاچاق کالا و ارز هم‌اکنون راه‌اندازی و در حال بهره‌برداری می‌باشد، لیکن از آنجایی که بایسته‌های مدیریت کیفی خطر جرم از ارزیابی بزه‌کاری^۱ تا بررسی میزان کاهش تکرار جرم از سوی مجرم چه از لحاظ تقنینی و چه از لحاظ قضایی در کشور ما هنوز به طور کامل وجود ندارد، این نوع از مدیریت آن چنان که باید کارساز نبوده است.

۱- آنچه در مدیریت خطر جرم باید توسط سیاست‌گذاران جنایی و کنش‌گران اجرایی در مقام پیش‌بینی و اعمال نهادها و راهکارای مبتنی بر مخاطره‌آمیزی مجرم یا محیط مورد توجه قرار گیرد، اهتمام به مقوله ارزیابی خطر مجرم، محیط جرم‌زا و الگوهای ارتکاب جرم در مدیریت غیرکیفری خطر جرم و ارزیابی میزان خطرناکی بالفعل یا

علاوه بر سامانه بانک جامع اطلاعاتی محکومین، سامانه‌های دیگری نیز به نام سامانه پرونده‌های قاچاق کالا و ارز وجود دارد. به استناد ماده ۳۰ آئین‌نامه اجرایی مواد ۵ و ۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، تمامی فرآیند رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز اعم از اعلام شکایت، تشکیل پرونده‌های قضایی و تعزیراتی، تعیین شعبه رسیدگی‌کننده، مکاتبات، استعلامات، دستورات، صدور رأی و ابلاغ آن در تمامی مراحل رسیدگی اعم از بدوی و تجدیدنظر بایستی از طریق این سامانه انجام یابد. متولی طراحی و پیاده‌سازی این سامانه سازمان تعزیرات حکومتی کشور است. این سامانه بایستی با سامانه‌های شناسایی و مبارزه با قاچاق کالا و ارز، سامانه اطلاعاتی محکومین قاچاق کالا و ارز و سامانه جامع اموال تملیکی تبادل اطلاعات داشته باشد. به نظر می‌رسد در این سامانه نیز مدیریت کیفری خطر ارتکاب جرم از سوی محکومین و پیشگیری از تکرار آن بسیار مهم واقع می‌شود.

۲-۲- مدیریت غیرکیفری خطر

در مدیریت غیرکیفری خطر، اصطلاح خطر در ارتباط با فرصت، موقعیت و شیوه‌های ارتکاب جرم است و تلاش می‌شود موقعیت‌های پرخطر، یعنی اوضاع و احوال و شرایطی که فرصت ارتکاب جرم را تشدید می‌کند و شیوه‌های ارتکاب جرم که طبق بررسی‌ها و مطالعات میدانی معمول‌تر از سایر شیوه‌ها هستند، شناسایی و مدیریت شود (پاک‌نهاد، ۱۳۸۸: ۳۲). در این میان استفاده از فناوری اطلاعات با دو هدف مدیریت و کنترل زنجیره تأمین و شفافیت اطلاعات از بارزترین راهبردهای اتخاذی در حوزه پیشگیری از قاچاق کالا است.

الف) مدیریت و کنترل زنجیره تأمین

زنجیره تأمین^۱، فرآیندی متشکل از نهادها، مردم، اطلاعات و منابع است که در انتقال یک کالا یا خدمات از تأمین‌کننده به مشتری طی می‌شود. زنجیره تأمین در واقع شبکه‌ای پیچیده از عرضه و تقاضا است. در معنای گسترده‌تر، زنجیره تأمین شامل تمام فعالیت‌های مرتبط با جریان و تبدیل

بالقوه اشخاص و داشتن آمار جنایی دقیق در مدیریت کیفری خطر جرم حلقه‌ای است که پیونددهنده کنشگران با جرم و مجرم است، لیکن متأسفانه در کشور ما هنوز این مهم برآورده نشده و همین عدم تعبیه زیرساخت‌های لازم برای مدیریت کیفری خطر موجب ناکامی وی در کنترل و مدیریت خطر بزه‌کاران شده است. برای مطالعه بیشتر بنگرید به: رضوانی، سودابه (۱۳۹۶)، مفهوم خطرناکی در علوم جنایی، چ نخست، نشر میزان، صص ۱۸۱-۱۸۴ و سهرابی اسمرو، مهرا (۱۴۰۰)، از ریاضیات تا آمار جنایی؛ درآمدی بر نقش و جایگاه آمار جنایی در مدیریت خطر بزه‌کاری و بزه‌دیدگی، در: عباچی، مریم «به کوشش»، دایره المعارف ریاضیات و علوم جنایی، چ نخست، نشر میزان.

1- Supply chain

کالاها از مرحله ماده خام تا تحویل به مصرف‌کننده نهایی و نیز جریان‌های اطلاعاتی مرتبط با آنها می‌شود (Tsay, 1999: 302).

البته، مدیریت زنجیره تأمین^۱ کارآمدی آن منحصر به میدان عرضه و تقاضا نیست (بلوری، ۱۳۸۳: ۸۲)؛ بدین توضیح که بعد از الکترونیکی شدن مدیریت زنجیره تأمین، دولت‌ها دریافته‌اند که می‌توانند از زیرساخت زنجیره تأمین برای نظارت، سیاست‌گذاری^۲ و مدیریت راهبردی خود استفاده کنند (آقاجانی، ۱۳۸۶: ۹۹). این اقدامات اولین تلاش‌ها برای «کنترل زنجیره تأمین» از گذر هوشمندسازی فرآیند این زنجیره بود.

با پیشرفت و الکترونیکی شدن مدیریت زنجیره تأمین، به تدریج کنترل اعضای زنجیره تأمین نیز از طریق ضابطه‌گذاری برای فعالیت در زنجیره تأمین انجام گرفت؛ به نحوی که امروزه در مورد بسیاری از کالاها (به‌ویژه کالاهای حساس مانند دارو) «کنترل زنجیره تأمین» به امری ضروری تبدیل گشته است. منظور از «کنترل زنجیره تأمین کالا توسط نظام عدالت کیفری» ایجاد شرایطی است که نتیجه آن پیشگیری از جرایم و تخلفات و سهولت کشف هرگونه نقض تشریفات باشد، به نحوی که قاچاق کالا نیز کاهش یابند. این مدیریت و کنترل زنجیره تأمین از طریق سامانه‌های اطلاعاتی که تمامی فرایند خرید یا تولید کالا از مبدأ تا مرحله تحویل نهایی به خریدار را رصد می‌کنند، امکان‌پذیر است.

ب) شفاف‌سازی اطلاعاتی

دلایل افزایش کشف کالای قاچاق را می‌توان چنین برشمرد: مرزهای طولانی و گسترده با کشورهای همسایه و ضعف در کنترل مؤثر آن‌ها، امکانات و تجهیزات ناکافی برخی دستگاه‌های مبارزه‌کننده، نبود جرم کافی برای مبارزه در برخی نهادهایی که خود به‌عنوان مرزبان اقتصادی کشور شناخته می‌شوند، تنوع شیوه‌های تخلف و قاچاق کالا، عدم شفافیت گردش کالا، وجود گلوگاه‌های متنوع فساد در بخش‌های مختلف و نداشتن دانش تخصصی کافی برخی مأموران.

مجموع چنین دلایلی سبب شد مبارزه با قاچاق به راحتی امکان‌پذیر نباشد و این عدم مبارزه مؤثر با قاچاق کالا سبب راحتی خیال قاچاقچیان برای جولان در عرصه اقتصاد سیاه یا زیرزمینی شود. به همین دلیل، با رصد جریان کالا از پیش از مبادی تا مرحله حمل و نقل، انبارش، توزیع، عرضه، خرید و فروش و مسائل بانکی، باید ضعف موجود در فرایند مبارزه با قاچاق کالا را پوشش داده و در

1- SCM

2- Public policy

این راه راهبردی جز الکترونیکی کردن فرایند تجارت اعم از داخلی و خارجی به منظور شفاف‌سازی اطلاعات مربوط به چرخه تأمین تا مصرف کالا نداریم.

از آنجایی که کشف و شناسایی رفتارهای مجرمانه در مراحل پیش از جرم و خنثی کردن این جرائم در این مرحله در عمل مانع از تحقق مقاصد مجرمانه و برنامه‌ریزی شده مرتکبان و ذی‌نفعان این جرائم می‌شود (اسماعیلی، ۱۳۹۶: ۳۰۵)، اتخاذ الگوهای ساختاری خطرمدار موجب گسترش بهره‌مندی از این رویکرد در حوزه قاچاق کالا با استفاده از سامانه‌های اطلاعاتی شده است؛ این بدان معناست که با هدف مدیریت خطر، به‌خصوص از گذر شفافیت اطلاعات، مانعی بر سر مسیرهایی که در آن خطر ارتکاب قاچاق کالا بیشتر است، قرار گیرد. این امر در وهله نخست مستلزم ارزیابی خطر قاچاق کالا در این فرایند و در گام بعدی نیازمند مدیریت این فرایند می‌باشد؛ البته باید در نظر داشت که این مدیریت ناظر بر پیشگیری از قاچاق کالا به‌صورت مستقیم نخواهد بود؛ بلکه بیشترین تلاش با هدف خنثی کردن میل به ارتکاب قاچاق و دفع خطرات احتمالی صورت پذیرفته است. بدین منظور، الگوها و نقاطی که در آن خطر وقوع قاچاق کالا بالا است، بررسی و مشخص شده‌اند. در گام بعدی، با طراحی و ایجاد سامانه‌ها تلاش شده است، این خطر وقوع مدیریت شود.

۳- جلوه‌های هوشمندسازی

استفاده از ابزارهای فنی و اطلاعاتی با هدف شفافیت و مدیریت منجر به پیش‌بینی سامانه‌های مختلفی در حوزه پیشگیری و مقابله با قاچاق کالا شده است. این سامانه‌ها جلوه‌هایی از هوشمند شدن فرایند واردات و صادرات کالا و به تبع آن هوشمندسازی اقدامات پیشگیرانه و مقابله‌ای با قاچاق کالا هستند. در ادامه مهم‌ترین این سامانه‌ها بیان شده است.

۳-۱- یکپارچه‌سازی و شفافیت فعالیت اقتصادی

شفافیت فعالیت‌های اقتصادی و انعکاس آن‌ها در آمارهای رسمی کشور، وجه تمایز اقتصاد رسمی از اقتصاد غیررسمی است که گاهی از آن به اقتصاد سیاه یا زیرزمینی یاد می‌شود. در این میان فناوری اطلاعات و ارتباطات با افزایش شفافیت فعالیت‌های اقتصادی نقش بسزایی در پیشگیری از جرایم حوزه اقتصاد خواهد داشت (مرادحاصل و مزینی، ۱۳۹۰: ۳۳۰). در این میان مدیریت کارآمد جریان تجارت در هر کشوری از الزامات رسیدن به رونق اقتصادی محسوب می‌شود.

مدیریت فرایند از تولید تا مصرف کالا، بدون وجود یکپارچگی و شفافیت اطلاعاتی لازم، کار تجاری را برای فعالان تجاری این عرصه و همچنین مدیریت این جریان را برای دولت سخت می‌کند. با به‌روز شدن راه‌های ارتکاب جرم، استفاده از فناوری اطلاعات به‌عنوان یکی از بهترین ابزارهای ممکن برای مدیریت فعالیت‌های تجاری و حل مشکلات این حوزه، لازم است. بر این اساس سامانه

جامع تجارت ایران به استناد قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و با هدف یکپارچه‌سازی و نظارت بر فرایندهای تجاری کشور توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت راه‌اندازی شد.

سامانه مذکور به موجب بند «الف» ماده ۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با هدف شفافیت در تجارت داخلی و خارجی، اجرای دولت الکترونیک، کاهش فساد در بُعد اقتصادی و سرعت و سهولت بخشیدن به فرایند تجارت ایجاد شده است. با ایجاد یکپارچگی و هماهنگی الکترونیکی بین دستگاه‌های دخیل در فرایند تجارت خارجی و داخلی نیز منجر به ارتقای تعامل پذیری دستگاه‌های دولتی و یکپارچگی اطلاعات تجاری کشور می‌شود. از سال ۱۳۹۵ بهره‌برداری از این سامانه شروع شده است و هم‌زمان طراحی، ساخت و تکمیل بخش‌های مختلف باقی مانده از آن ادامه دارد و انتظار می‌رود با بلوغ این سامانه سرعت، سهولت و شفافیت در امور تجاری کشور محقق شود.

دو مزیت مهم سامانه جامع تجارت عبارت است از: ابتدا قرار دادن ابزاری الکترونیکی و یکپارچه در اختیار فعالان حوزه تجارت برای مدیریت فعالیت‌های تجاری خود، بدون نیاز به حضور فیزیکی و نیاز به ارتباط با نیروی انسانی؛ دیگر آنکه از طریق یکپارچه‌سازی اطلاعات هم‌ابزاری برای رصد فرایند تجاری کالاهاست که در عمل موجب کاهش واردات و صادرات قاچاق کالاها می‌شود، هم‌ابزاری برای تصمیم‌گیری دقیق‌تر مسئولان حوزه تعیین سیاست‌های تجاری می‌باشد. با توصیفی که از کارکرد سامانه جامع تجارت بیان شد، باید گفته شود که یکی از سامانه‌های بسیار مهم مقابله با قاچاق کالا در حال حاضر، سامانه مزبور است. در واقع رصد تمامی فرایند کالا از تولید تا مصرف یا از واردات تا مصرف موجب می‌شود امکان واردات یا صادرات غیرقانونی کالا به حداقل ممکن خود برسد؛ با این توضیح که از یک سو قاچاق کالا زمانی ظهور می‌کند که چرخه تولید یا واردات کالا تا مصرف آن، شفافیت لازم نداشته باشد و از سوی دیگر به موجب تدابیر پیش‌بینی شده در سیاست تساهل صفر پیشگیری وضعی فقط از طریق دشوار کردن ارتکاب جرم راه به جایی نمی‌برد؛ بلکه باید خطر شناسایی، برخورد و دستگیری بزه‌کاران در نخستین گام‌های مجرمانه را افزایش داده تا تمایل افراد برای انتخاب این مسیر پرخطر کاهش یابد.

۳-۲- مدیریت چرخه تأمین کالاهای سلامت محور

تجربه کشورهای صنعتی و پیشرو در حوزه دارو نشان می‌دهد که «نظام بهینه کنترل زنجیره تأمین» نظامی با محوریت کنترل هوشمند است؛ به گونه‌ای که شفافیت فرآیندهای تأمین، توزیع، عرضه، خرید و فروش در آن تضمین‌شدنی باشد (Lazaros, 2001: 275-286). در ایران «پروژه ردیابی، رهگیری و کنترل اصالت» (مصوب شورای عالی امنیت ملی به شماره ۱۶۲۴۵۴ در مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۱۵ و موضوع بند «پ» ماده ۷ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، مصوب ۱۳۹۵) با همین اهداف

پی‌ریزی شد؛ بدین‌منظور، سامانه تخصصی به‌نام «سامانه مدیریت اطلاعات فراورده‌های سلامت‌محور» (TTAC) به‌موجب «دستورالعمل اجرایی نظام ردیابی، رهگیری و کنترل اصالت کالاهای سلامت‌محور» ایجاد شده است. فرایند صدور مجوزها و تمامی فرایندهای مربوط به اعضای زنجیره تأمین کالای سلامت‌محور از طریق این سامانه انجام می‌گیرد. علاوه بر آن ردیابی، رهگیری و کنترل اصالت کالاهای سلامت‌محور نیز از طریق درگاه همین سامانه قابل انجام است. این سامانه به سامانه جامع تجارت متصل می‌باشد و اطلاعات خود را در اختیار آن قرار می‌دهد؛ البته در مورد تجهیزات پزشکی، سامانه IMED (در اداره کل تجهیزات پزشکی) که منشأ آئین‌نامه‌ای داشت، سابقه پیش‌تری دارد و اکنون ذیل پروژه مذکور در حال توسعه و ادامه کار است. از جمله اهداف پی‌ریزی این نظام کنترلی، پیشگیری از احتکار، قاچاق، گران‌فروشی، عرضه خارج از شبکه و تقلب در تهیه و توزیع اقلام دارویی و تجهیزات پزشکی می‌باشد.

۳-۳- ردیابی و شناسایی کالا

از یک‌سو قاچاق کالا به‌عنوان یک نابسامانی اقتصادی نشأت گرفته از آسیب وارده در چرخه تولید، توزیع و مصرف کالا است؛ در نتیجه عدم شفافیت در نظام گردش کالا یکی از معضلات بسیار مهم پیش‌روی مبارزه هدفمند با قاچاق است. از سوی دیگر، از نظر برخی ردیابی کالا در مقایسه با ردیابی شخص مرتکب، در عمل موجب تضییق کمتر حق آزادی و حریم خصوصی فرد می‌شود؛ زیرا فقط آن دسته از رفتارهایی ردیابی می‌شود که در ارتباط با کالا باشد (خانعلی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۰۹). در این میان استفاده از روش ردیابی کالا به‌منظور پیشگیری از قاچاق کالا با بهره‌مندی از ابزارهایی همچون ایران‌کد و شب‌نم با چالش‌ها و نظریات مختلفی همراه شد. از جمله این چالش‌ها، قابلیت جعل این کدها و عدم کفایت اطلاعات به‌دست آمده در خصوص فرایند تولید یا واردات تا مرحله توزیع کالا بود. هرچند الصاق برچسب‌هایی همچون شب‌نم یا هر ابزار دیگری که تاریخچه ورود محصول به کشور را نشان دهد، هشدار برای زنجیره توزیع و مصرف در مورد ورود قاچاق کالا خواهد بود (Cornish, 2003:90)؛ اما شکست این سامانه‌ها، موجب گسترش فضای بدبینی به سامانه‌های بعدی شده است؛ این درحالی می‌باشد که شکست این سامانه‌ها بیشتر به دلیل پیاده‌سازی و اجرای نامناسب آن‌ها بوده است، نه ناکارآمدی اساسی مدیریتی که این سامانه‌ها بر آن مبتنی بوده است. امروزه این وظیفه برعهده سامانه شناسه کالا و شناسه رهگیری می‌باشد. اصلی‌ترین کارکرد سامانه‌های شناسه کالا و شناسه رهگیری، سلب فرصت ارتکاب قاچاق و سایر تخلفات مربوط به حوزه واردات، تولید و توزیع کالا است. مطابق بندهای «ذ»، «و» و «ر» ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارزش مدیریت زنجیره تأمین از طریق این دو شناسه، از جمله راه‌کارهایی است که هزینه فرد برای

فروش کالای قاچاق را افزایش می‌دهد و از این طریق نه تنها فرصت فروش را از فرد متخطی سلب می‌کند، که در عمل، انگیزه وی برای قاچاق را نیز کاهش می‌دهد. این دو شناسه جزئی از برنامه ردیابی کالا است که هم‌اکنون بعد از حدود پنج سال از زمان تصویب آئین‌نامه اجرایی مواد ۵ و ۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز صرفاً در خصوص برخی کالاها همچون پوشاک، لوازم خانگی و دخانیات در حال اجرا و بهره‌برداری است.

۳-۴- اعتبارسنجی و رتبه‌بندی اعتباری

به استناد بند «ت» ماده ۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز وزارت صنعت، معدن و تجارت موظف شد با همکاری ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، اتاق بازرگانی و اتاق مرکزی تعاون با ایجاد سامانه یکپارچه‌سازی اعتبارسنجی و رتبه‌بندی اعتباری برای تجارت داخلی و خارجی، صدور، تمدید و ابطال کارت بازرگانی را با هدف پیشگیری از بروز تخلفات و قاچاق کالا و ارز ساماندهی کند. از طرفی در ماده ۴ آئین‌نامه اجرایی مواد ۵ و ۶ قانون مذکور ضوابط طراحی این سامانه به تصویب هیئت وزیران رسیده است.

داشتن کارت بازرگانی به‌عنوان مهم‌ترین بخش واردات و صادرات کالا در ماده ۳ قانون مقررات صادرات و واردات پیش‌بینی شده است. بدین توضیح که هرگونه فعالیت در این حوزه مستلزم داشتن کارت بازرگانی و بدون داشتن این کارت عملاً امکان تجارت وجود ندارد. ضوابط و نحوه صدور و دارا شدن کارت بازرگانی به تفصیل در قانون مذکور آمده است.

متأسفانه با وجود محدودیت‌ها و ضوابطی که به‌منظور مدیریت صدور کارت‌های بازرگانی در قانون مقررات صادرات و واردات و آئین‌نامه اجرایی آن وجود دارد، برخی افراد با استفاده از کارت بازرگانی دیگری که در عرف گمرکی به کارت بازرگانی یک‌بار مصرف نیز معروف است، مبادرت به واردات حجم گسترده کالا بدون رعایت تشریفات گمرکی صحیح و کامل می‌کنند. در ادامه با کشف قاچاق، اقدامات برای شناسایی مالک واقعی کالا و بار کردن مسئولیت حقوقی یا کیفری تخلف و قاچاق به دلیل اینکه هیچ ردیابی از وی در اسناد گمرکی وجود ندارد، بی‌نتیجه می‌ماند.

در این میان، از مهم‌ترین اقداماتی که در سامانه یکپارچه اعتبارسنجی و رتبه‌بندی اعتباری پیش‌بینی شده است، تدوین شاخص‌های رتبه‌بندی، اعتبارسنجی، اصلاح ضوابط صدور و تمدید کارت بازرگانی است تا از این طریق ضوابط دارا شدن شخص محدودتر شده و فقط تاجران واقعی توانایی دریافت این کارت را داشته باشند.

سامانه اعتبارسنجی، ابزار مناسبی برای تکمیل سیستم‌های پیشگیری از قاچاق کالا است. از مزیت‌های مهم این سامانه، نظارت دقیق بر صدور و تمدید کارت بازرگانی و جلوگیری از دارا شدن

و تمدید کارت بازرگانی توسط افرادی است که طبق شاخص‌های تعیین شده در سیستم، خطر ارتکاب قاچاق کالا توسط آن‌ها وجود دارد. در واقع این سیستم مشابه سیستم اعتبارسنجی بانک‌ها عمل می‌کند. در سامانه بانکی فردی که سابقه دریافت وام را دارد، چنانچه در مهلت‌های مقرر وام خود را تسویه نکرده باشد یا اقساط آن را به موقع پرداخت نکرده باشد، امتیاز کمتری برای دریافت وام دوباره خواهد داشت. در سامانه اعتبارسنجی نیز بازرگانی که سابقه سوءاستفاده از کارت بازرگانی خود یا دیگری را دارد، اعتبار کمتری برای دارا شدن کارت بازرگانی خواهد داشت.

گام‌های ارزیابی قاچاق کالا با استفاده از کارت بازرگانی و طراحی سامانه رتبه‌بندی به این ترتیب است: بررسی احتمال استفاده از کارت بازرگانی برای مقاصد قاچاق کالا، تعیین جنبه‌هایی که کارت بازرگانی مستعد سوءاستفاده جهت این مقاصد است، تعیین میزان خطر قاچاق کالا از طریق کارت بازرگانی و طراحی مانعی بر سر راه این خطر.

۳-۵- ارتقای سلامت اداری نهادهای متولی و جلوگیری از استفاده از اسناد جعلی

یکی از دستاوردهای مهم گمرک، راه‌اندازی سامانه پنجره واحد تجاری است. با استفاده از این سامانه دریافت و ارسال مجوزهای لازم به منظور ترخیص کالا از جمله مجوزهای سازمان ملی استاندارد، ثبت سفارش، گواهی قرنطینه و ... به صورت سیستمی انجام می‌پذیرد. دریافت این مجوزها پیش از راه‌اندازی سامانه پنجره واحد به صورت دستی انجام می‌یافت. علاوه بر زمان‌بر بودن ارسال و دریافت به صورت دستی، خطر امکان استفاده مجدد اسناد برای محموله‌های بعدی و ارتکاب جرماتی همچون جعل و رشاء و ارتشاء در مسیر واردات یا صادرات کالا بدون رعایت تشریفات گمرکی نیز بسیار زیاد بود؛ به عبارت دیگر، جمع‌آوری اطلاعات و تبادل داده‌ها بین گمرک و سازمان‌های همجوار از طریق پنجره واحد تجارت فرامرزی خطر سوءاستفاده احتمالی و ورود و خروج غیرقانونی کالا (قاچاق) را کاهش داده و الزام واردکنندگان به اخذ و ارائه مجوزهای ورود کالا به گمرک، به سلامت فضای تجاری کشور کمک خواهد کرد.

برای نمونه از آنجایی که خطر واردات قاچاق کالاهای سلامت‌محور از جمله دارو با استفاده از اسناد تکراری و جعلی یا واردات داروهای تقلبی بالا سنجیده شد، ارتباط الکترونیکی گمرک با سازمان غذا و دارو از طریق سامانه جامع گمرکی موجب شده تا با کدهای مخصوص، اطلاعات داروهای ترخیص شده از گمرک به سامانه غذا و دارو ارسال شود و شناسایی داروهای تقلبی و قاچاق سریع‌تر و راحت‌تر انجام پذیرد و از این مجرا خطر قاچاق کاهش یابد (ابراهیم‌وند، ۱۳۹۹: ۱۰۳).

یکی دیگر از اقداماتی که گمرک همگام با طراحی و راه‌اندازی سامانه جامع امورگمرکی یا همان پنجره واحد می‌تواند انجام دهد، ارزیابی دوره‌ای سلامت اداری کارکنان خود است؛ بدین توضیح

که اظهارنامه‌هایی که خطر ارتکاب قاچاق در آن‌ها بالا ارزیابی می‌شود، در اختیار کارکنانی قرار گیرد که سلامت کاری آن‌ها توسط واحدهای نظارتی تأیید شده است. این موضوع نیز علاوه بر جلوگیری از جرایمی همچون ارتشاء و اعمال نفوذ کارکنان گمرک، خطر وقوع قاچاق را نیز کاهش می‌دهد.

۳-۶- شناسایی الگوهای ارتکاب قاچاق کالا

تبصره ۳ ماده ۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز یکی دیگر از اجزای مدیریت خطر ارتکاب قاچاق کالا و حتی مهم‌ترین جزء آن را تشکیل می‌دهد. «سامانه شناسایی کالای قاچاق» اطلاعات تمامی سامانه‌های در دسترس را دارد و با پایش اطلاعات، به کشف جرایم و تخلفات می‌پردازد؛ به عبارتی این سامانه، نقش ناظر و کاشف در نظام کنترل زنجیره تأمین کالا را ایفا می‌کند. این نظارت و کشف در عمل موجب خنثی‌سازی اعمال صورت‌یافته در مسیر قاچاق کالا و کاهش تمایل به ارتکاب مجدد آن خواهد شد.

کارکرد اصلی این سامانه بدین‌صورت است که تمامی اطلاعاتی را که سامانه جامع تجارت از سی‌ویک دستگاه دولتی و خصوصی و سامانه‌های در ارتباط اخذ کرده، به‌صورت سیستمی در اختیار سامانه شناسایی و مبارزه با قاچاق کالا و ارز قرار می‌دهد و این سامانه با کشف سیستمی الگوها و روش‌های اتخاذی مرتکبان قاچاق کالا و ارز، به شناسایی کالاهای قاچاق می‌پردازد. در حقیقت، جایگاه مدیریت خطر در این سامانه از طریق کسب اطلاعات از سایر سامانه‌ها صورت پذیرفته است. وابستگی اطلاعاتی این سامانه به سامانه جامع تجارت و وابستگی سامانه جامع تجارت به اطلاعات سایر سامانه‌ها موجب می‌شود که کارایی این سامانه در گرو همبستگی و همکاری سایر ارگان‌ها باشد.

این سامانه در حقیقت، با استفاده از تمام داده‌های حوزه تجارت داخلی و خارجی و با طراحی الگوریتم‌های شناسایی کالای قاچاق و پیاده‌سازی آن‌ها، موجبات شناسایی عوامل قاچاق، رفتار قاچاق و مصادیق قاچاق را فراهم می‌کند. افزایش ضریب کشف قطعی کالای قاچاق، تسریع در فرایند کشف، تمرکز منابع مالی و انسانی بر روی پرونده‌های کلان قاچاق و هدایت و برنامه‌ریزی مؤثر برای اقدام در خصوص کالاهای قطعی قاچاق، از مزایای استقرار این سامانه است.

علاوه‌بر سامانه‌های پرداخته‌شده در این نوشتار، سامانه‌های دیگری همچون سامانه ثبت گوشی تلفن همراه در شبکه (ریجستری)، سامانه جامع حمل‌ونقل، سامانه جامع انبارها، سامانه‌های مرتبط با پیشگیری از قاچاق و عرضه خارج از شبکه فرآورده‌های نفتی یارانه‌ای همچون سامانه ثبت الکترونیکی معاملات نفتی (ثامن) و سامانه پیمایش، سامانه‌های فرعی دیگر مرتبط با سامانه‌های حوزه پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا و ارز همچون سامانه جامع مرزنیسان، سامانه ضوابط کالایی

و ... نیز در حوزه پیشگیری از قاچاق کالا و مبارزه با آن فعالیت دارند. به دلیل مرتبط بودن آن‌ها با سامانه جامع تجارت و یکسان بودن مبنای مدیریت خطر آن‌ها با چندسامانه پیش‌گفته، از بررسی آن‌ها در این نوشتار خودداری شده است.

۴- چالش‌های هوشمندسازی

ساختن اتاق شیشه‌ای اقتصاد کشور که مهم‌ترین هدف آن برقراری امنیت اقتصادی به منظور ارتقای سطح سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و بهبود وضع اشتغال کشور است، از جمله مسائلی می‌باشد که همواره از سوی دولت‌های پیشرفته مورد توجه بوده است. از سوی دیگر پیشبرد دولت الکترونیک همگام با تجارت الکترونیک از اهدافی می‌باشد که با پیشرفت فناوری ارتباطات و اطلاعات جزو خواسته‌های مهم دولت‌مردان است؛ لیکن صرف درخواست بدون هماهنگی و برنامه‌ریزی، در عمل، جز هدررفت منابع ثمری به همراه نخواهد داشت. برای مثال مواد ۵ و ۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ماده ۱۳ این قانون در مورد شناسه‌های کالا و رهگیری و نیز ماده ۸ قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار، الزاماتی را برای الکترونیکی شدن فرایندهای تجاری پیش‌بینی کرده‌اند. با این حال با گذشت نزدیک به پنج سال از تصویب آئین‌نامه اجرایی مواد ۵ و ۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و تعیین کارکرد و نحوه بهره‌برداری از این سامانه‌ها، پیشبرد اهداف سامانه‌ها و به‌کارگیری آن‌ها یا معطل مانده یا به‌کندی پیش رفته است.

۴-۱- تعارض منافع دستگاه‌ها و ضعف در تعامل بین دستگاهی

شاید بتوان اصلی‌ترین مانع بر سر راه پیشگیری فناورانه را عدم تعامل مؤثر دستگاه‌های حوزه مبارزه با قاچاق کالا و ارز دانست؛ به‌گونه‌ای که عدم اتصال اطلاعات سامانه جامع گمرکی به سامانه جامع تجارت، یکی از خلأهایی بود که موجب ناقص بودن اطلاعات سامانه جامع تجارت شده بود. گمرک ایران از زمان تصویب آئین‌نامه اجرایی سامانه‌ها، بیش از دو سال در خصوص تبادل اطلاعات، همراهی لازم را نداشت. در نهایت در تاریخ ۱۳۹۷/۵/۷ توافق‌نامه‌ای بین وزارت اقتصاد و وزارت صمت منعقد شد تا این اطلاعات تبادل شود؛ ولیکن کماکان گمرک با توسل به بهانه‌هایی از این همکاری سر باز می‌زند.

در این خصوص «عدم توجه به نقش و جایگاه ذی‌نفعان» در طراحی سیاست جنایی و به‌ثمر نشاندن یا شکست این سیاست‌ها، از معضلات مربوط به سیاست جنایی ایران در کنترل زنجیره تأمین کالاها است؛ برای مثال با توجه به اهمیت اقلام دارویی به‌خصوص در بحران کرونا، یکی از آسیب‌های اساسی حوزه سلامت ذی‌نفع بودن مدیران آن در عدم شفافیت و بی‌قیدوبند بودن نظام سلامت می‌باشد؛ به‌عبارتی در شرایط کنونی هرگونه تلاش برای کنترل نظام دارویی با نفوذ ذی‌نفعان

امکان پذیر نیست؛ به نحوی که بسیاری از مسئولان حوزه دارو که وظیفه ثبت اطلاعات در سامانه‌های تعبیه شده را دارند، خود ذی‌نفع محسوب می‌شوند. این ترکیب ذی‌نفعان حوزه دارو، طراحی یک سیاست جنایی ویژه را با در نظر گرفتن جایگاه و نقش ذی‌نفعان می‌طلبد.

از این موضوع به عنوان پدیده «تسخیر نهادی»^۱ نام برده می‌شود. این پدیده هم زمینه حفظ مقام و جایگاه در ساختار قدرت (تداوم مدیریت بر دستگاه‌های اجرایی) را پدید می‌آورد (Chesterley & Roberti, 2016: 2) و هم موجب حفظ منافع بخش خصوصی وابسته به مدیران دولتی می‌شود (Hillman, 2004: 1070). در حوزه اقلام دارویی و به طور کلی در حوزه سلامت، پدید تسخیر نهادی یک چالش اساسی است و منشأ بخش زیادی از ضعف عملکرد (وارد نکردن کامل و صحیح اطلاعات در سامانه‌ها) را می‌توان در همین موضوع جستجو کرد.

۴-۲- تورم مقررات

نظام مدیریتی آئین‌نامه‌ای، تغییر مکرر آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها و ضوابط دولتی همگام با تغییر مدیریت وزارتخانه‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط، موازی‌کاری نهادهای مختلف و ایجاد مقررات تکراری (قربانی زاده، ۱۳۹۳: ۳۰)، پیچیده بودن مسئله قاچاق کالا در سطح و حجم کلان و ناتوانی مقابله با این پدیده، معطل ماندن اجرای قوانین پیشگیرانه (در زمینه سامانه‌های کنترل اصالت و فرایندهای تجاری)، پیاده‌سازی و اجرای نامناسب سامانه‌های قبلی (مانند ایران کد و طرح شبنم)، از مهم‌ترین آسیب‌های موجود مربوط به هوشمندسازی فرایند پیشگیری از قاچاق کالا هستند که با طراحی «نظام جامع کنترل زنجیره تأمین» قابل رفع یا کاهش هستند. شاید بتوان در حوزه کالاهای سلامت محور به خصوص کالاهای ضدکرونا، تورم مقررات و «مدیریت آئین‌نامه‌ای» را یکی دیگر از معضلات اصلی حوزه سلامت دانست؛ یعنی به جای اینکه مجلس قواعد مربوط به این حوزه را تنظیم کند، وزارتخانه‌های ذی‌ربط اقدام به تهیه دستورالعمل و مقرر می‌نمایند. این اقدام نه تنها موجب ضعیف بودن یا حتی فاقد ضمانت‌اجراء بودن تخلفات می‌شود؛ بلکه زمینه سوءمدیریت و سوءاستفاده مدیران اجرایی که خود واضع مقررات هستند را نیز ایجاد می‌کند.

۴-۳- عدم مشارکت فعالان تجاری و جامعه مدنی

در مواردی که ابلاغ ضوابط اختصاصی حمل، نگهداری، خرید و فروش تجاری کالاهایی همچون دخانیات، لوازم خانگی، برقی و الکترونیکی، اقلام دارویی و تجهیزات پزشکی و دام‌زنده، به اعضای زنجیره تأمین به درستی انجام گرفته است، به لحاظ اعتقاد فعالان تجاری به اینکه، هدف از افزایش شفافیت در زنجیره تأمین و رصد کالا، دریافت مالیات به صورت تمام و کمال است،

1- Agency capture or Institutional capture or State capture.

همکاری مناسبی از جانب آن‌ها انجام نگرفته است. ضمانت اجرای نامناسب برای عدم ورود اطلاعات صحیح (فقط شش ماه محرومیت از اشتغال به موجب تبصره ۲ ماده ۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز برای کارکنان) در این همکاری نکردن بی‌تأثیر نیست. حال آنکه اهداف تنظیم بازار بسیار فراتر از دریافت مالیات می‌باشد. بخش زیادی از آسیب‌های موجود در خصوص اقلام دارویی به خصوص اقلام ضدکروناوی، با آسیب‌های موجود در زنجیره تأمین سایر کالاها مشترک است. به همین دلیل، با توجه به اهمیت اقلام ضدکروناوی در این روزها، به‌طور خاص می‌توان گفت شناساندن صحیح پروژه کنترل اصالت و رهگیری کالای سلامت‌محور تا حد زیادی به اصلاح دید اعضای جامعه به‌ویژه اعضای زنجیره تأمین کمک خواهد کرد؛ زیرا درنهایت، اعضای زنجیره تأمین از شفافیت ایجاد شده سود خواهند برد. این موضوع در عمل موجب مشارکت بیشتر مردم و شکست بازار سیاه این اقلام همچون ناصر خسرو خواهد شد؛ البته یکی از دلایل عدم رصد تخلفات مرتبط با اقلام ضدکروناوی (به‌ویژه احتکار و قاچاق) نقص و عدم توانایی سامانه‌های موجود در کشف تخلفات می‌باشد. سامانه‌های مرتبط با پروژه رصد زنجیره تأمین، هنوز به سطح توسعه مورد انتظار برای بهره‌برداری ایده‌آل نرسیده است. مواردی همچون عدم راه‌اندازی کامل برخی سامانه‌های اصلی و زیرسامانه‌ها (مانند سامانه جامع تجارت و سامانه شناسه و رهگیری کالا)، عدم ثبت اطلاعات مالکیتی و مکانی کلیه تبادلات فرآورده‌های دارو، تجهیزات پزشکی و مکمل در زنجیره تأمین و عدم تبادل داده‌های سامانه ردیابی، رهگیری و کنترل اصالت با سایر سامانه‌ها. از دیگر عوامل این ناکارآمدی‌ها، تغییرات مکرر مدیریت پروژه TTAC در سازمان غذا و دارو و بی‌توجهی مدیران سازمان غذا و دارو و وزارت بهداشت به اهمیت ثبت اطلاعات است.

۴-۴- نبود عزم اجرایی

بخش زیادی از ناکارآمدی نظام کنترلی طرح‌ریزی‌شده، ریشه در فقدان عزم دولت در اجرای جدی برنامه‌های مصوب دارد. به‌رغم تأکید مقام معظم رهبری بر تکمیل سامانه‌های هوشمند رصد زنجیره تجاری کالا و همچنین دستور رئیس‌جمهور به تکمیل سامانه‌ها تا ۲۲ بهمن سال ۱۳۹۸، متأسفانه هیچ اقدام مؤثری در جهت برآورده کردن این اهداف انجام نشد. به‌گونه‌ای که امروزه شاهد هستیم که تلاش‌های دهه اخیر دولت در راستای کنترل زنجیره تأمین اقلام دارویی و تجهیزات پزشکی، از طریق طراحی و اجرای سامانه‌های الکترونیک هوشمند با هدف افزایش شفافیت در زنجیره تجاری کالا که با صرف هزینه‌های فراوان شکل گرفت، نتوانست از وقوع بحران اجتماعی اخلاقی در توزیع اقلام ضدکروناوی جلوگیری کند و یا به کاهش آثار منفی این بحران منتهی شود. آنچه موجب کاهش تنش‌ها در این بحران شد، رویکرد سنتی در برخورد با تخلفات (کشف سنتی و

برخورد با برخی از متخلفان خورده‌ها توسط مراجع امنیتی و انتظامی) بود، نه «نظام کنترل زنجیره تأمین کالای سلامت محور» که با هدف پیشگیری از وقوع و کشف چنین تخلفاتی طرح‌ریزی شده بود؛ البته معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه تلاش‌های قابل توجهی در طی چندسال اخیر برای کاهش معضلات پیش‌روی سیستمی شدن فرایندها و تسهیل و تسریع و شفافیت در امور مربوط به واردات و صادرات انجام داده است. یکی از مهم‌ترین این اقدامات تشکیل کارگروه‌های پیشگیری از قاچاق کالا و ارز در سطح استان‌های کشور می‌باشد. این کارگروه‌ها با تشکیل جلسات سعی در شناسایی آسیب‌های موجود بر سر راه پیشگیری و مقابله با قاچاق کالا دارند.

از دیگر موانع اصلی در تکمیل شدن دولت الکترونیک در ایران، ضعف در یکپارچه‌سازی سیستم‌های اطلاعاتی در کشور است که در قالب موانع طراحی، انسانی، فنی، سیاسی و استراتژی دسته‌بندی می‌شود (خیشوند، ۱۳۹۶: ۶). ضعف عملکرد نهادهای عدالت کیفری در حوزه شفافیت و هوشمندسازی فرایندهای نظام تأمین کالا از جایگاه جهانی ایران در حوزه دولت الکترونیک و مشارکت الکترونیکی قابل فهم است. براساس اعلام سازمان ملل متحد، ارزیابی‌های انجام‌گرفته از شاخص دولت الکترونیک در میان ۱۹۳ کشور دنیا ایران از جایگاه ۱۰۶ در رتبه‌بندی جهانی در سال ۲۰۱۶ به جایگاه ۸۶ در سال ۲۰۱۸ دست یافته بود، لکن در آخرین ارزیابی انجام‌شده در سال ۲۰۲۰ ایران با سه پله سقوط در جایگاه ۸۹ جهان قرار گرفته است؛ البته در آخرین ارزیابی که سازمان ملل در خصوص شاخص مشارکت الکترونیکی انجام داده، جمهوری اسلامی ایران از رتبه ۱۴۹، به جایگاه ۱۱۱ صعود کرده است.^۱

نتیجه‌گیری

قاچاق کالا رفتاری خلاف هنجارهای اقتصادی جامعه است و مبارزه با آن به‌عنوان یکی از دغدغه‌های بسیار جدی کارگزارانی است که در مسیر برخورد قاطع و کارآمد با پدیده‌های مخلل نظم

۱- علاوه بر ارزیابی‌های سازمان ملل متحد در خصوص رتبه کشورها در خصوص مشارکت الکترونیکی و دولت الکترونیک، می‌توان به آمارهای اعلامی از سوی سازمان شفافیت بین‌الملل نیز اشاره کرد. این سازمان به‌عنوان یک سازمان بین‌المللی غیردولتی است که هر ساله به رتبه‌بندی کشورهای جهان براساس میزان فساد اداری آن‌ها می‌پردازد. از آنجایی که بهره‌مندی از شفافیت اطلاعات و سیستمی کردن فرایندهای اداری به‌منظور کاهش فساد امری حیاتی است، رتبه کشورها در ارزیابی‌های این سازمان نیز گواهی بر میزان بهره‌مندی از سامانه‌های هوشمند و رعایت اصل شفافیت می‌باشد. متأسفانه در آخرین آمار ارائه‌شده از سوی این سازمان ایران در بین ۱۸۰ کشور جهان در رتبه ۱۴۹ قرار دارد:

اجتماعی فعالیت دارند. مبارزه با این پدیده به علت گستردگی آسیب وارده از آن بر پیکره اقتصادی جامعه از دیرباز اهمیت به‌سزایی در سیاست جنایی تقنینی ایران داشته است؛ اما این سیاست‌ها بیشتر جنبه سرکوب‌گرایانه و به دیگر سخن ماهیت کیفری داشته است. با مذاقه در قوانین کیفری پیش از ۱۳۹۲ در زمینه مبارزه با قاچاق کالا و ارز مشخص می‌شود، از جنبه‌های مختلف پاسخ‌گویی به این پدیده فقط جنبه سیاست کیفری مورد توجه قرار گرفته بود. در سال ۱۳۹۲ مقنن با توجه به ناکارآمدی کیفرهای تقنین شده در قوانین سابق در مبارزه با قاچاق کالا و ارز و در راستای هم‌سویی با نظریه جرم‌شناسانی که مجازات صرف را بی‌فایده دانسته و استفاده از ابزارهای غیرقهرآمیز و غیرکیفری را به‌عنوان ضرورتی بی‌بدیل دانسته‌اند، علاوه بر بهبود و کارآمد کردن تدابیر کیفری در قانون مذکور، فصل دوم قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز را گامی به‌سوی مبارزه با این پدیده ضداقتصادی در قالب تدابیر پیشگیرانه قرار داده است.

در این میان استفاده از سامانه‌های فناوری اطلاعاتی به‌عنوان ابزارهای فناورانه و اطلاعاتی، ردپای مدیریت خطر جرم را در حوزه مبارزه و پیشگیری از قاچاق کالا پُررنگ‌تر کرده است. ارزیابی الگوها و موقعیت‌هایی که از گذر آن‌ها ارتکاب قاچاق کالا با احتمال بیشتری وجود دارد، ذهن مقنن را با یک نگاه فنی به این سمت سوق داده که مبارزه از گذر دشوارسازی ارتکاب و افزایش هزینه جرم و در نتیجه سلب فرصت‌های ارتکاب قاچاق کالا، مؤثرترین اقدام می‌باشد. این موضوع با مدیریت زنجیره تأمین از طریق به‌کارگیری ابزارهای فناورانه‌ای که در اختیار کنشگران پیشگیری از قاچاق و مبارزه با آن قرار گرفته، دنبال می‌شود.

مبارزه با قاچاق کالا از طریق سامانه‌ها و در راستای تفکر خطرسنجی و خطرمداری‌اش بیش از هر چیز به دنبال آن است که از مجرای مدیریت خطر به‌خصوص با مداخله و مدیریت زنجیره تأمین، از ایجاد موقعیت‌های پُرخطر که می‌توانند زمینه‌ساز قاچاق کالا شوند، جلوگیری کند؛ به همین دلیل می‌توان گفت جنبه اصلی مداخله و مدیریت خطر از رهگذر سامانه‌ای و بخش غیرکیفری آن را پیشگیری موقعیت‌مدار تشکیل می‌دهد.

مطالعه اسناد و برنامه‌های حوزه پیشگیری از قاچاق کالا از جمله برنامه راهبردی پنج‌ساله ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، برنامه‌های اولویت‌دار پیشگیری از قاچاق کالا و ارز سال ۱۴۰۰ یا برنامه‌های اجرایی همچون برنامه‌های جامع اجرایی پیشگیری و مقابله با قاچاق کالا و ارز در حوزه کالا‌های سلامت‌محور و آئین‌نامه‌های اجرایی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز حاکی از توجه به شفافیت اطلاعات، کنترل و مدیریت زنجیره تأمین و احراز اصالت کالاها به‌عنوان راهبردهای نوین پیشگیرانه در ارتباط با قاچاق کالا می‌باشد.

در این میان، جامعه مدنی که بهره‌بردار اصلی از شفافیت ایجاد شده است، بیش‌ترین فاصله را با این مقوله دارد و به‌لحاظ عدم اطلاع از ابعاد موضوع، همکاری مؤثری در این زمینه ندارد. از سوی دیگر، تعارض منافع متولیان حوزه شفافیت اطلاعات و کنترل زنجیره تأمین و تعامل نداشتن نهادهای اجرایی در حوزه بهره‌برداری از سامانه‌ها از مهم‌ترین معضلات رصد سامانه‌ای است. به‌نظر می‌رسد که در حال حاضر، تکمیل ساختار و زیربنای سامانه‌ها در اولویت قرار دارد. در صورتی که سامانه‌ها ناقص باشند، هر نوع تلاش در حوزه‌های دیگر با شکست مواجه خواهد شد. زیرا بستر لازم برای اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌ها فراهم نخواهد شد. در نهایت نبود دستورالعمل‌های شفاف، طولانی بودن سلسله‌مراتب سازمانی، فقدان امنیت لازم در سامانه‌ها و شبکه‌ها، فقدان هماهنگی و انسجام بین بخش‌های مختلف متولی در به‌کارگیری فناوری اطلاعات و متوقف ماندن برنامه‌ها همراه با جابه‌جایی دولت‌ها از جمله موانع اصلی بر مسیر هوشمندسازی اقدامات پیشگیرانه از قاچاق کالا هستند.



منابع

فارسی

- ابراهیم‌وند، حسام (۱۳۹۹)، «مداخله نظام عدالت کیفری ایران در کنترل زنجیره تأمین اقلام دارویی»، رساله دوره دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، استاد راهنما: دکتر محمدجعفر حبیب‌زاده، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۵)، «پیشگیری در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، چرایی، چگونگی و چیستی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۷۸.
- ابراهیمی، شهرام و صادق‌نژاد نایینی، مجید (۱۳۹۲)، «تحلیل جرم‌شناختی جرایم اقتصادی»، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره پنجم.
- اسماعیلی، محمد (۱۳۹۶)، «عدالت پیشگیرنده؛ مهار جرم در بستر نظام حقوقی»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴، شماره ۲.
- آقابابایی، حسین (۱۳۹۰)، «آزادی شخصی و مدیریت خطر جرائم امنیتی» ضمیمه فصلنامه تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، یادنامه شادروان رضا نوبهار، شماره ۵۶.
- آقاجانی، زهرا (۱۳۸۶)، «کاربرد فناوری اطلاعات در زنجیره تأمین (لجستیک الکترونیک)»، بررسی‌های بازرگانی، شماره ۲۴.
- برزگر، مهری (۱۴۰۰)، «تبیین و تحلیل روش‌های پیش‌بینی مکان‌محور جرم با استفاده از فنون ریاضی»، در: عباجی، مریم «به کوشش»، دایره المعارف ریاضیات و علوم جنایی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- بک، اولریش (۱۳۸۸)، جامعه در مخاطره جهانی، ترجمه محمدرضا مهدی‌زاده، چاپ اول، تهران: نشر کویر.
- بلوری، محمد ابراهیم (۱۳۸۳)، مدیریت زنجیره تأمین، پژوهشگر، شماره ۱.
- پاک‌نهاد، امیر (۱۳۸۸)، سیاست جنایی خطرمدار، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- جاوید، مهدی (۱۳۸۸)، شناسایی نفاط جرم خیز و نقش آن در پیشگیری از وقوع جرم، زیر نظر محمد فرجیها و غلام‌رضا محمد نسل، در: پیشگیری انتظامی از جرم (مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم)، تهران، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، چاپ نخست.
- خانعلی‌پور، سکینه (۱۳۸۹)، نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در پیشگیری از بزهکاری؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، استاد راهنما: علی حسین نجفی ابرنآبادی؛ دفاع شده در دانشگاه گیلان.
- خانعلی‌پور، سکینه (۱۳۹۰)، پیشگیری فنی از جرم، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- خیشوند، علی، محمد اسماعیل، صدیقه، بابالحوانجی، فهیمه، نوشین‌فرد، فاطمه (۱۳۹۶)، «آسیب شناسی موانع یکپارچه سازی سیستم های اطلاعاتی دولت الکترونیک در ایران»، فصلنامه راهبرد، دوره ۲۶، شماره ۲.
- رضوانی، سودابه (۱۳۹۶)، مفهوم خطرناکی در علوم جنایی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- ریگا کاس (۱۳۹۲)، «جامعه خطر و جرم‌شناسی سنجشی: جنبه‌هایی برای یک گفتمان انتقادی»، ترجمه عبداللهی، افشین، مطالعات بین‌المللی پلیس، شماره ۱۳.

- سهرابی اسمرود، مهران (۱۴۰۰)، «از ریاضیات تا آمار جنایی؛ درآمدی بر نقش و جایگاه آمار جنایی در مدیریت خطر بزه‌کاری و بزه‌دیدگی»، در: عباجی، مریم «به کوشش»، **دایره المعارف ریاضیات و علوم جنایی**، چاپ اول، نشر میزان.
- صفاری، علی (۱۳۸۰)، «مبانی نظری پیشگیری وضعی از جرم»، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره سی‌وسه و سی‌وچهار.
- عباسی، بدری (۱۴۰۰)، «کابرد مدیریت ریسک در کیفرشناسی نو: ارزیابی‌های کیفی و کمی»، در: عباجی، مریم، «به کوشش»، **دایره المعارف ریاضیات و علوم جنایی**، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۵)، «بررسی و نقد امنیتی ساختن»، **مطالعات راهبردی**، شماره سی و سه.
- فرانک پی ویلیامز و ماری لین دی لک شین (۱۳۹۸)، **نظریه‌های جرم‌شناسی**، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، چاپ هفتم، تهران: نشر میزان.
- قربانی زاده، وجهاله و رودساز، حبیب (۱۳۹۳)، **فرا تحلیل موانع استقرار دولت الکترونیک در ایران، مطالعات فناوری اطلاعات**، شماره هشت.
- کریمی، حمیدرضا، (۱۳۹۱)، «بررسی سیرتقنینی و نارسایی قوانین و مقررات موجد در پیشگیری از قاچاق کالا و ارز در سطح عرضه»، **دو فصلنامه بررسی‌های حقوقی (مجله تخصصی حقوق اقتصادی)** دوره جدید، سال دوم، شماره ۴.
- ماری فیلیپ، کیفر و مدیریت خطرها (۱۳۸۳): «به سوی عدالتی محاسبه‌گر در اروپا» برگردان حسن کاشفی اسماعیل‌زاده، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره‌های چهل‌وهشت و چهل‌وننه.
- مرادحاصل، میترا و مزینی، امیرحسین (۱۳۹۳)، «بررسی اثر بازدارنده فناوری اطلاعات و ارتباطات بر اقتصاد غیررسمی»، **مجموعه مقالات برگزیده همایش راهبردهای نوین در پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا و ارز**، نشر ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز سری انتشارات اقتصاد پنهان، چاپ اول.
- معصوم‌زاده، ناصر (۱۳۹۷) «نقش دولت الکترونیک بر چابکی و سلامت سازمانی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت اجرایی، استاد راهنما ابراهیم ملازاده؛ دانشگاه آزاد اسلامی.
- میرخلیلی، محمود (۱۳۸۸) **پیشگیری وضعی از بزه‌کاری با نگاهی به سیاست جنایی اسلام**، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌های اسلامی.
- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۹۲-۱۳۹۱)، «تقریرات درس جرم‌شناسی (از جرم‌شناسی انتقادی تا جرم‌شناسی امنیتی)»، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۸۸)، «کیفرشناسی نو-جرم‌شناسی نو، درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار»، **مجموعه مقالات تازه‌های علوم جنایی**، زیرنظر: دکتر علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، انتشارات میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۹۷)، «سیاست جنایی در برابر بزه‌کاری اقتصادی»، **مجموعه مقالات سیاست جنایی در برابر بزه‌کاری اقتصادی**، نشر میزان، چاپ اول.
- نوبهار، رحیم و صیقل، یزدان (۱۳۹۶)، «ویژگی‌ها و راهبردهای کیفرشناسی خطرمدار»، **مجله حقوقی دادگستری**، سال هشتماد و یکم.

- هریس، کیت (۱۳۸۶)، اصول و روش‌های تهیه نقشه بزه‌کاری، برگردان: محسن کلاتنری و مریم شکوهی، چاپ اول، تهران: نشر سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا (پژوهشکده امنیتی انتظامی).
- یوسفی طبس، حلیمه (۱۳۹۵)، «بررسی تأثیر توسعه دولت الکترونیک بر اجرایی شدن سیاست‌های کلی نظام اداری (مطالعه سلامت نظام اداری، چابکی سازمان)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت؛ استاد راهنما: نورمحمد یعقوبی؛ دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- Cornish, Derek (2003), Opportunities, Precipitators and Criminal Decisions: A Reply to Wortley Critique of Situational Crime Preventional. *Crime Prevention Studies*.
- Fitzgibbon, D. W (2004), Pre-Emptive Criminalization: Risk Control and Alternative Futures, *Issues in Community and Criminal Justice Monograph*, London: National Association of probation officers, Vol4, NO.2.
- Hillman, A. L. (2004) Corruption and public finance: an IMF perspective, *European Journal of Political Economy*, 20(4).
- Hossam.,E.H, Ibrahim,A.H & Fraig, R. (2018), Risk Management Framework for Continuous Flight Auger Piles Construction in Egypt, *Alexandrai Engineering Journal*, 57.
- kemshall,Hazel, Understanding the Community Managent of High Risk Offenders, First Published, Berkshire: Open University press.
- Lazaros G. Papageorgiou (2001), Strategic Supply Chain Optimization for the Pharmaceutical Industries, American Chemical Society
- Shearing, Clifford (2001), 'Punishment and the changing face of the governance', *Punishment and Society* 3(2).
- Simon, J and Feeley, M, (1995), "True crime. The new penology and public discourse on crime", in Blomberg, T and Cohen, S (eds), *Law, Punishment and Social Control: Essays in Honor of Sheldon Messinger*, New York: Aldine de Gruyter.
- Tilly,Nike(2005), Crime Prevention and System Design, *Handbook Of Crime, Prevention and Community Safety*, Willan.
- Nicholas Chesterley, Paolo Roberti (2016), Populism and Institutional Capture, Department of Economics